

## دکترین نظارت و بازرسی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان ولایت فقیه

ارسطو توحیدی او مصطفی ملائی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۲۵

### چکیده

نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصل ولایت فقیه رویکردی نو در عرصه‌ی نظام سازی ارائه کرده است. یکی از حوزه‌های اساسی که ملزم به تأسی از گفتمان ولایت فقیه است حوزه نظارت و بازرسی است که پس از انقلاب اسلامی در قالب اصل ۱۷۴ قانون اساسی تبیین شده است. سازمان بازرسی کل کشور محصول عینیت یافت این اصل می‌باشد. هماهنگی، همسوئی و هم افزایی فعالیت‌های نظارت و بازرسی کشور، نیازمند دکترینی (اصول و قواعدی) مبتنی بر گفتمان ولایت فقیه می‌باشد. بنابراین، تحقیق حاضر با هدف دستیابی به دکترین حوزه نظارت و بازرسی بر اساس گفتمان ولی فقیه انجام شده است.

این تحقیق از حیث نوع تحقیق، کاربردی و از جهت ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. روش جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی است که از نظریات ولایت فقیه در حوزه نظارت و بازرسی جمع‌آوری و تحلیل شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد اصول و قواعد زیر به عنوان دکترین حوزه نظارت و بازرسی کشور برای هماهنگی، همسوئی و هم افزایی فعالیت‌های حوزه مذکور لازم است رعایت شوند.

(۱) شریعت محوری؛ (۲) حاکمیت قانون؛ (۳) دانش محوری؛ (۴) محوریت نظارت حکومت بر امور جامعه؛ و (۵)

برنامه محوری

**کلید واژه‌ها:** نظارت و بازرسی، گفتمان ولایت فقیه، دکترین

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی arastoo\_towhidi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی و نویسنده مسئول، mostafamollaie.rd@gmail.com

## مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر آراء و اندیشه‌های اصیل اسلامی و در ادامه مبارزات ظلم ستیزانه مردم ایران در چند دهه آنها به رهبری روحانیت مبارز شیعه تشکیل شده است قبل از هر چیز در پی اجرای عدالت اسلامی و رفع تبعیض در جامعه بوده است. از این روی، امر نظارت و بازرسی یکی از ارکان اساسی بستر ساز و سلامت بخش فضای عمومی جامعه و به ویژه نظام اداری محسوب شده و هموار در شالوده فکری بنیانگذاران و آرمان‌های مردم بوده است. اگرچه تلاش‌های فراوانی برای امر نظارت و بازرسی صورت گرفته است و حتی منجر به نهادسازی و تشکیل سازمان بازرسی در ابتدای دهه ۱۳۶۰ شده است، اما بروز و ظهور فسادهای متعدد در دهه‌های مختلف، بیانگر عدم وجود یک نظام کارآمد نظارت و بازرسی در نظام تقنینی، اجرایی و قضایی کشور می‌باشد.

یکی از مواردی که می‌تواند نظام بازرسی کشور را بهبود بخشد، وجود دکترین یا اصول و قواعد کاربردی در امر نظارت و بازرسی است که باعث هماهنگی، همسوئی و هم‌افزایی فعالیت‌های بازرسی می‌شود.

بدیهی است در جمهوری اسلامی ایران این اصول و قواعد را باید از گفتمان ولایت فقیه استخراج کرد که بر پایه اسلام باب محمدی (صلی الله علیه و آله) شکل گرفته است. بنابراین دغدغه محقق روشن نبودن این اصول و قواعد و همان دکترین نظارت و بازرسی بر اساس گفتمان ولایت فقیه است.

اهمیت این تحقیق از این جهت است که رهبر معظم انقلاب اسلامی مخصوصاً در ده ساله اخیر، به طور مداوم در سخنرانی‌های خود، نظراتی در چگونگی اداره یک حکومت بر اساس ارزش‌های اسلامی را بیان می‌کنند که هر کدام به تنهایی می‌تواند در بخش‌های مختلف سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و حتی اجرا، راه‌گشا باشد. این در حالی است که موضوع مبارزه با فساد و ضرورت اصلاح نظام اداری و اقتصادی کشور مخصوصاً در پنج ساله اخیر به شدت در دیدگاه‌ها و نظرات معظم‌له بیان شده است. چنین تأکیدی توجه عمیق و راهبردی مسئولین و دستگاه‌های ذیربط کشور را به طراحی و اجرای یک نظام کارآمد نظارت و بازرسی رهنمون می‌کند. لذا تحقیق از جهت نظری دانش نظارت و

بازرسی را بر پایه شریعت اسلام توسعه می‌دهد و از جهت عملی به کارگزاران این بخش کمک می‌کند که فعالیت‌های نظارت و بازرسی را بهبود بخشند.

ضرورت این تحقیق هم به جهت مواردی که در بالا بیان شد کاملاً روش است و در واقع اگر با یک تحقیق علمی دکترین حوزه نظارت و بازرسی مبتنی بر گفتمان ولایت فقیه روشن نشود، اصول و قواعد امر مبهم و نامشخص خواهد ماند.

براین اساس تحقیق با هدف: دستیابی به دکترین حوزه نظارت و بازرسی بر اساس گفتمان ولی فقیه است و این سؤال که: دکترین حوزه نظارت و بازرسی کشور بر اساس گفتمان ولی فقیه کدام است؟ به انجام رسیده است.

## پیشینه و مبانی نظری تحقیق

### پیشینه تحقیق

تحقیقی با عنوان نقش نظارت و بازرسی در توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور توسط واعظی (۱۳۸۲) و به روش پیمایش انجام شده است. پژوهش در نتیجه گیری خود نشان داده است که بین دیدگاه دست‌اندرکاران تدوین برنامه سوم و افراد ستادی سازمان بازرسی تفاوت وجود دارد. در حالی که دست‌اندرکاران برنامه، مولفه‌های مرتبط با نظارت و بازرسی را عالی و خوب ارزیابی کرده‌اند، افراد ستادی سازمان آنها را ضعیف و ناکافی دانسته‌اند. در واقع این تحقیق نشان داده است در تدوین برنامه سوم توسعه یک شکاف نگرشی عمیق بین تدوین‌گران و افراد ستادی وجود دارد که می‌تواند عملکرد برنامه را در خصوص نظارت و بازرسی تحت تأثیر قرار دهد.

اخوان کاظمی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان نظارت و مبانی آن در نظام و اندیشه علوی خود که با روش کتابخانه‌ای انجام شده است، نظارت در سیره علوی با اتکاء به مبانی قرآنی و سیره نبوی، مسئولیتی دینی و در ذیل فریضه امر به معروف و نهی از منکر قلمداد شده است که خود از ظرفیت‌های بزرگ و گسترده نظام اسلامی در اصلاح سیاسی و اجتماعی در کلیه حوزه‌های فردی و جمعی به شمار می‌رود. در نظام سیاسی علوی، نظارت بیرونی بر قاعده اساسی نظارت درونی استوار است؛ اما همزمان به این حد نیز

کفایت نشده و علاوه بر تأکید بر ضرورت خود کنترلی رهبران و کارگزاران سیاسی، از سازوکارهای متنوع، متطور و متری در بازرسی و نظارت همگانی استفاده شده است. مجموع تحقیقات مختلف نتوانسته‌اند با استفاده از اسلوب روش‌شناختی و پذیرفته شده‌ی امروزی، چارچوبی مناسب برای حوزه نظارت و بازرسی از دیدگاه ولی فقیه ارائه کنند؛ چیزی که این تحقیق به دنبال آن است و سعی می‌کند بدان دست یازد. بنابراین تحقیق حاضر با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های تحلیل کیفی اطلاعات، دکترین نظارت و بازرسی جمهوری اسلامی ایران را از منظر ولایت فقیه ارائه می‌کند.

### مفهوم نظارت و بازرسی:

نظارت در اصل، یک واژه عربی است که از ماده‌ی «نظر» به معنای نگاه توأم با تأمل و اعتبار آمده است و بیشتر به معنای حاصل مصدر یعنی به رأی صادره از سوی ناظر به کار می‌رود (عمیدزنجانی و همکار، ۱۳۸۹: ۱۴). همچنین نظارت را به معنای نگرستن در چیزی با تأمل، چشم انداختن، حکومت کردن میان مردم و فیصله دادن دعوی ایشان، یاری دادن و مدد کردن و نیز به معنای چشم بصر، دیده، فکر، اندیشه، تفکر، رویه، دقت، تأمل، تدبیر، خیال، وهم و اعتراض آورده و همچنین آن را به معنای نظر کردن و نگرستن به چیز، مراقبت و در تحت نظر و دیده بانی داشتن کاری، نگرانی، دیده بانی به سوی چیزی و مباشرت معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۳۳). همچنین نظارت را عمل ناظر، و ناظر را در اصطلاح به معنای کسی که بر کار دیگری نظارت می‌کند تا عمل او به صورت صحیح صورت گیرد معنا کرده‌اند (جعفری لنگرودی ج ۵، ۱۳۸۱: ۳۶۵۱). برای معادل واژه نظارت در زبان انگلیسی واژه‌هایی چون: *monitoring, overseeing, inspection, control, stewardship, supervision review* ... بیان شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۲۹).

در اصطلاح، نظارت به مجموع عملیاتی گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از این طریق، به مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب، اطمینان به دست آید (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۳۱).

نظارت در حقوق اساسی نیز بررسی و ممیزی و ارزشیابی کارهای انجام شده یا در حین انجام و انطباق آن‌ها با تصمیمات اتخاذ شده و همچنین، قانون و مقررات در جهت جلوگیری از انحراف افراد تعریف شده است (قاضی ۱۳۸۳: ۳۵۲). به‌طور خلاصه، نظارت در مفهوم حقوقی، عبارت است از بازرسی، سنجش و ارزیابی اقدامات مجریان و ناظر کسی است که به منظور چنین بازرسی و ارزیابی و سنجشی تعیین می‌شود (عمیدزنجانی و همکار، ۱۳۸۹: ۱۵).

آنچه در مجموع نظریات مختلف در تعریف می‌توان یافت آنکه نظارت در همه تعاریف، نظارت را نوعی آگاهی و اطلاع از آنچه در حال وقوع است، دانسته‌اند؛ به عبارتی، نظارت مقایسه ضمنی بین آنچه هست و آنچه باید باشد و انجام اموری در راستای رسیدن به هدف مطلوب است (ایزدهی، ۱۳۹۱: ۶ و سیدنورانی و همکاران، ۱۳۹۰). این نظارت می‌تواند در موضوعات مختلف یا به شیوه‌های گوناگونی اعم از پیشینی یا پسینی، استصوابی یا استطلاعی، مستقیم یا غیرمستقیم، نهان یا آشکار و بسیاری انواع دیگر اعمال گردد.

لذا نظارت در مفهوم کلی به معنای بررسی این موضوع است که همه چیز بر طبق قوانین و دستورهای که قبلاً تعیین شده بود، انجام می‌شود یا خیر؟ (هوی و میکسل، ۱۳۷۶: ۵۷). بازرسی در لغت «به معنی تفتیش و کاری است که بازرس بعده دارد و بازرس یعنی کسی که مأمور رسیدگی به کارهای یک فرد یا یک مؤسسه و اداره است» (معین، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۱۶). به فرایند مرور و بررسی و بازرنگری عملکرد فرد یا سازمان به منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف و بکارگیری اقدام اصلاحی، بازرسی گفته می‌شود (رضائیان ۱۳۷۴: ۴۱). بازرسی یعنی رسیدگی به امر کارکنان دولت به منظور احراز درستی یا نادرستی عملکرد آنها (طبرسا ۱۳۸۰: ۱۹۳). بنابراین بازرسی عبارت است از فرایند تحقیق علمی در مورد موضوع مورد بازرسی تا با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات بتوان نتایجی را جمع‌بندی کرد که اساس این نتایج، امر کنترل و در نتیجه نظارت را تسهیل می‌کند. به زعم فارسیجانی (۱۳۸۶)، بازرسی، پیش از هر چیز دارای مفهوم نظارت است. در حقیقت بازرس یا سازمان بازرسی کننده به نوعی معتمد درخواست کننده بازرسی بوده، به علت نیاز او و یا قوانین ویژه که کار بازرسی را ملزم می-

کند، به اجرا در می‌آید. بازرسی پیش از هر چیز، یک نمونه برداری تصادفی است تا مشخص شود تا چه میزان معیارهای پیش خواسته شده برآورده شده‌اند (فارسیجانی، ۱۳۸۶: ۲۳۱).  
به طور خلاصه می‌توان گفت که بازرسی عبارت است از فعالیت‌های منظم و هدفدار بر اساس مأموریت قانونی و سازمانی نسبت به دستگاه‌های مشمول بازرسی از طریق: بررسی آنچه انجام گرفته و آنچه باید انجام می‌گرفت، تجزیه و تحلیل عملکرد گذشته و حال، تشخیص و تعیین موارد اختلاف و انحراف بین وضعیت موجود و مطلوب.

### هدف از نظارت و بازرسی

هدف از نظارت و بازرسی نه تنها مبارزه با انحراف مجریان، بلکه حفظ و ارتقای کارایی است. به بیان دیگر نه تنها محصول و خروجی نظام اجرا مهم است بلکه سلامت فرآیند هم اهمیت دارد (پلاتو و پلاتو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۳۵۹-۳۴۳). ابراهیمی (۱۳۸۴)، از جمله اهداف بازرسی و نظارت کارآمد را موارد زیر می‌داند:

اعمال نظارت بر تصمیمات و اقدامات شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی در راستای صیانت و حفظ بیت‌المال و تضمین رشد و توسعه همه جانبه اقتصادی و اجتماعی؛ پیشگیری از حاکمیت مقامات ناکارآمد، ناسالم و غیر متخصص در واحدهای اجرایی حکومتی و جلوگیری از تضییع و حیف و میل اموال مردم؛ اعمال کنترل‌های متعادل جهت کمک به تحقق اهداف از پیش تعیین شده طرح‌های عمرانی و غیر عمرانی دولت و رعایت قوانین و مقررات لازم‌الاجرای کشوری توسط مقامات (ابراهیمی، ۱۳۸۴).

نظارت همیشه به طور یکنواخت و یکسان اعمال نمی‌شود بلکه انواع متفاوتی دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

### انواع نظارت و بازرسی

معمولاً، تقسیم‌بندی انواع نظارت با توجه به دیدگاه‌هایی که بر آن اساس، نظارت صورت می‌گیرد، انجام می‌شود. به طور کلی، انواع نظارت را می‌توان به نظارت‌های درونی

<sup>۱</sup>. Plutto & Plutto

و بیرونی تقسیم کرد. البته این نظارت با توجه به فرآیند و جریان نظارت و موضوعی که نظارت می‌شود، به دسته‌بندی‌های جزئی‌تری می‌رسد. مثلاً در بحث مدیریت، نظارت‌ها بر اساس فرآیند کنترل، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) نظارت و کنترل راهبردی که در آن، اهداف کلی و بلندمدت سازمان در نظر گرفته می‌شوند؛

ب) نظارت و کنترل مدیریتی که برای نظارت میزان اجرای راهبردهای مورد نظر به کار می‌رود؛

ج) نظارت و کنترل وظیفه‌ای برای اطمینان از اینکه وظایف سازمان به طور مؤثر و مناسب انجام شده است (رابرت و دیگران ۱۳۸۲: ۷۲۶).

این نظارت‌ها که در چارچوب یک سازمان و برنامه‌های آن تعریف می‌شود، در سطح مدیریت کلان کشور نیز قابل اجرا است. در این حالت، نظارت‌های درونی و بیرونی، به دو دسته کلی قابل تجزیه‌اند:

الف) نظارت همگانی که از طرف مردم، جامعه و نهادهای مدنی بر عملکرد دولت‌مردان و شیوه اداره جامعه صورت می‌گیرد؛

ب) نظارت حکومت که به وسیله حکومت و دستگاه‌های وابسته به آن بر امور مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی اعمال می‌شود.

نظارت حکومتی که هر سه مرحله کنترل راهبردی، کنترل مدیریت و کنترل وظیفه‌ای را دربردارد، شامل نظارت سیاسی، قضایی، اجرایی و مالی است. در ضمن، نظارت‌های همگانی نیز از طریق احزاب و تشکل‌ها، رسانه‌ها، تشکیلات تجمع‌ها، راه‌پیمایی‌ها و انتخابات صورت می‌گیرد (هستیانی ۱۳۸۰: ۱۴). برخی دیگر از صاحب نظران سه نوع نظارت سازمانی را مطرح می‌کنند؛ اداری، اجتماعی و خودنظارتی.

نظارت اداری: نظارت‌هایی از نوع حسابرسی به عنوان مدل کلاسیک کنترل در طبقه اداری جای می‌گیرد؛ اما این نوع نظارت در سال‌های اخیر ابعاد متفاوتی یافته است.

نظارت اجتماعی: این نوع نظارت‌ها در نگرش‌های اجتماعی و الگوهای تعامل اجتماعی منعکس شده‌اند. از نظر ماهیت، نظارت اجتماعی به تعریف ضوابط روش‌های انجام دادن

کار به وسیله افراد می‌پردازد. البته این نوع ضوابط به کنترل‌های اداری نیز کمک می‌کند. بنابراین بدون توجه به الگوهای تعامل اجتماعی و هنجارها نمی‌توان به کنترل‌های سازمانی دست یافت.

خودنظارتی: یکی دیگر از صاحب نظران بر جنبه‌های رفتاری و اجتماعی تأکید دارد. از این نظر نظارت به عنوان وظیفه اساسی و بنیادی برای ایجاد اطمینان از رفتارهای درست افراد سازمان مطرح می‌شود. واژه خودنظارتی برای وظیفه مدیریت به کار می‌رود و این مفهوم شامل نفوذ در رفتار انسان نیز می‌شود. بنابراین، این نوع نظارت با عنوان نظارت کارکنان مطرح می‌شود که خودنظارتی و نظارت اجتماعی را در بر می‌گیرد.

نظر به اهمیت بسیار زیاد دو گونه نظارت الکترونیکی و نظارت همگانی در ادبیات مدیریت، در اینجا لازم است شرحی از این دو گونه نظارت ارائه شود؛

نظارت الکترونیکی از جمله تکنیک‌های جدید عرصه نظارت است که مبتنی بر فناوری اطلاعات است؛ در این روش، با استفاده از شبکه‌های اطلاع رسانی دستگاه‌های اداری و ارتباط آن با یک مرکز واحد، می‌توان بر نحوه اجرای امور و قوانین به صورت صحیح نظارت نمود (مرادی و خسروی، ۱۳۹۲).

در یک تعریف کلی از «نظارت الکترونیکی» می‌توان آن را «دسترسی الکترونیکی به اطلاعات و اسناد مورد نظر برای پایش تکالیف، فرآیندها، برنامه‌ها و فعالیت‌های دستگاه اجرایی بر اساس اهداف سالانه، میان مدت، بلند مدت و تکالیف ذاتی دستگاه» تعریف نمود (حسینی و فولادی طرقي، ۱۳۸۹).

نظارت الکترونیکی شامل گردآوری اطلاعات یا اقدامات اطلاعاتی از طریق ابزارهای الکترونیکی است. این شیوه نظارتی دارای مزایایی نظیر فراهم شدن فرصت بیشتر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و پردازش آن‌ها در خصوص علل و عوامل فساد، کاهش تصدی‌گری سازمان‌های نظارتی و بازرسی در اعمال نظارت، توسعه و تعمیق نظام خودکنترلی و جلب مشارکت بیش‌تر مردم از طریق ارتباطات شبکه‌ای و رایانه‌ای است (صفرخانی، ۱۳۸۸).



نظارت دیجیتال به عنوان رهاورد نظارت الکترونیک در فضای مجازی در ارتباط با دولت الکترونیک و اتوماسیون اداری با هدف استفاده و بکارگیری تجهیزات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری جهت سهولت در نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها مطرح می‌باشد. چنانچه گسترش روزافزون شبکه‌های رایانه‌ای و استفاده از فضاهای مجازی سبب پیدا شدن راه‌های جدید در بحث نظارت دیجیتالی گردیده است. مزایا و ویژگی‌هایی همچون: وضوح و شفافیت، از بین بردن زمینه‌های رانت و فساد، دسترسی آسان و نزدیک شهروندان و از طرفی کاهش هزینه‌های نیروی انسانی و امکان کیفی و اثربخشی این نوع نظارت، قابلیت اجرای آن را دوچندان کرده است؛ از این مهم‌تر علمی و فنی‌تر شدن شیوه‌های نظارت، کاهش ابهامات، دغدغه‌ها و اعمال سلیقه‌های شخصی، ایجاد وحدت رویه و هوشمندی و نظاماتیک نمودن نظارت و سرعت و دقت در تجزیه و تحلیل نتایج عملکرد می‌باشد. علاوه بر مزایای بی‌شمار نظام‌های دیجیتالی و استفاده آسان و کارآمد از اتوماسیون در بخش‌های مختلف، نفس بکارگیری این نظام، خود یکی از راه‌های شفافیت، سالم‌سازی، توسعه و تحول در مبارزه با فساد است که این موضوع اهمیت اتوماسیون را در دستگاه‌های نظارتی و ضد فساد دوچندان می‌کند به گونه‌ای که اتوماسیون به عنوان یک شاخص، خود دلیلی بر بهبود، ارتقاء و رشد و توسعه به حساب می‌آید. علاوه بر ویژگی‌های بیان شده، از اهداف اصلی نظارت دیجیتال؛ مدیریت زمان، افزایش بهره‌وری، کارآمد کردن پایش‌های برنامه‌ای و نظام‌مندی و عملی نمودن فرایند نظارت است (فتاحی اردکانی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). یکی دیگر از انواع نظارت، نظارت همگانی است.

نظارت همگانی دارای دو بُعد نظارت همگانی به معنای اعم؛ شامل: نهادهای نظارتی حاضر در سه عرصه دولتی، خصوصی و مدنی و نظارت همگانی به معنای اخص؛ شامل: مشارکت نظارتی شهروندان بر عملکرد نهادهای فعال در حوزه‌های مختلف و نماد بُعد تعاملی روابط شهروند و مجموعه‌های مسئول در کشور است (عطاری، ۱۳۹۰). از منظر نظارت همگانی، «نظارت» از عناصر و ابعاد حق شهروندی و به تعبیری، وجه بارزی از مشارکت شهروندی است (منوچهری، ۱۳۸۷: ۳۳-۳۲).

نظارت همگانی بستر ساز پشتیبانی وسیع مردم از نظام و عملکردهای آن خواهد بود. درستی این گزاره، در کشورهای مختلف نیز تجربه شده است. تأکید بر توسعه درون‌زا، بومی و مردمی بودن آن، دقیقاً از همین مبنای نظری و تجربه عملی استخراج شده است. در توسعه بومی و درون‌زا، این اصل محوری پذیرفته شده است که چنانچه اقشار مختلف مردمی فعالانه در برنامه‌های توسعه دخالت داشته باشند، نسبت به امور توسعه احساس مسئولیت کنند و در این مسیر، نظارت محلی و ملی بر عملکردها و سیاست‌های جاری در کشور داشته باشند، این مشارکت توأم با نظارت، سبب حمایت و پشتیبانی آن‌ها از نظام و توسعه، مدنظر نظام خواهد شد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۶).

بر اساس فعالیت‌های انجام شده در سازمان بازرسی، بازرسی به سه دسته بازرسی‌های مستمر، مورد و بازرسی‌های فوق العاده تقسیم می‌شود. بازرسی مستمر راجع است به انجام بازرسی در قالب برنامه‌ای مدون و منظم سالانه در این نوع بازرسی وضعیت کلی، ساختاری و تشکیلاتی، نحوه مدیریت، رفتار کارکنان و عملکرد دستگاه‌های مشمول، با توجه به مواد ۶۶ و ۴۶ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور حسب مورد، بررسی می‌شود.

بازرسی فوق العاده حسب دستور و درخواست مقامات مذکور در بند ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور انجام می‌شود؛ اجرای این نوع بازرسی‌ها در محدوده موضوع خاص ارجاعی و در خارج از برنامه‌های زمان‌بندی شده سازمان صورت می‌گیرد.

بازرسی موردی شامل اطلاعات و شکایات مقرون به دلیل که دایر بر وقوع تخلفات و سوء جریانات یا نقض قوانین باشد، در محدوده موضوع اعلام شده مورد رسیدگی قرار می‌گیرد (آئین بازرسی سازمان بازرسی کل کشور: ۱۳۹۵).

مفهوم دکترین

در فرهنگ معین، دکترین<sup>۱</sup> به معنی نظریه، اندیشه و فکر آمده است. در ادبیات فارسی بجای آن تا کنون از واژه‌های متفاوتی مثل آموزه، آیین، اصول، مکتب، نظام فکری، رهنامه و... استفاده شده است. در اصطلاح، دکترین به نظریه، اصول، عقیده، آیین، مکتب یا قواعد بنیادین معتبری گفته می‌شود که هدایت کننده اقدام در پشتیبانی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تأمین اهداف بوده و به کاربردن آنها مستلزم درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی می‌باشد. در تعریفی دیگر از دکترین آمده است «اصول و قواعدی که در هر یک از شاخه‌های علوم و یا در میان پیروان یک آیین مورد تصدیق و اعتقاد باشد» به عبارت دیگر اصول یک فلسفه، نظام فکری یا سیاست و خط مشی را دکترین می‌گویند. در فرهنگ استراتژی دکترین این چنین تعریف شده است:

«نظریه، اصول یا قواعد بنیادین معتبری است که هدایت کننده اقدام در پشتیبانی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تأمین اهداف بوده و به کار بردن آنها مستلزم درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی می‌باشد» (توحیدی، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۳).

آقابخشی و همکاران در یک تعریف کلان از دکترین آورده اند: «اصول و قواعدی که در هریک از شاخه‌های علوم و یا در میان پیروان یک آیین مورد تصدیق و اعتقاد باشد» (آقابخشی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۹۵). از نظر منصورنژاد، «دکترین به اصول، اصول عقیده، تعلیم، آموزه، مکتب و حتی سیاست ترجمه شده و در اصطلاح حداقل در چهار معنا تعریف و مطرح شده است. ۱- اصول و قواعدی که هریک از شاخه‌های علوم و یا میان پیروان یک آیین، مورد تصدیق و اعتقاد باشد. ۲- مجموعه‌ای از عقاید که دستگامی از نظریات دینی و فلسفی یا سیاسی را تشکیل دهد. ۳- مجموع عقایدی که در باب توجیه، بیان و تفسیر قواعدی از علمای فن اظهار شده است. ۴- اصول یک فلسفه، نظام فکری یا سیاست و خط‌مشی» (منصورنژاد، ۱۳۸۴: ۱۱). گری شفیلد از دپارتمان مطالعه دفاعی کالج کینگ لندن و دانشکده فرماندهی و ستاد انگلستان تعریف جی اف سی فولر از دکترین نظامی را به‌عنوان «هدف اصلی یک ارتش» توصیف می‌کند (شفیلد، ۲۰۰۵: ۱۶۵).

علی بابایی و آقایی در تعریف دکترین نوشته‌اند: «دکترین، نوعی از جهان‌بینی است که برنامه‌های سیاسی براساس آن، پایه و بنیاد گرفته باشد یا مجموعه‌ای از نظام‌های فکری است که بر پایه اصول معینی مبتنی باشد. همچنین به تنظیم اصولی که بر طبق آن، دولت‌ها مشی خود را به‌ویژه در روابط بین‌المللی تعیین می‌کنند، اطلاق می‌گردد» (علی بابایی و آقایی، ۱۳۶۵: ۲۷۰). از نظر عیسی‌نیا: «دکترین، دارای سه ویژگی است که عبارتند از: ۱. مفاهیم به کار گرفته شده در آن، گویایی کافی را داشته باشد؛ ۲. با واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی، تناسب واقعی داشته باشد؛ ۳. قابلیت به‌کارگیری در شرایط خاص را دارا باشد؛ چراکه نبود هریک از این عناصر، زمینه و عاملی در تباهی دکترین به شمار می‌آید» (عیسی‌نیا، ۱۳۸۷: ۷).

کالینز، دکترین را قواعد بنیادی می‌داند که هدایت‌کننده عملیات در پشتیبانی از سیاست‌های ملی می‌باشند. هرچند که این قواعد معتبر هستند، اما نحوه استفاده از آنها به قضاوت صحیح نیازمند است. در عصر جدید اصطلاح دکترین نخستین بار در زمان ریاست جمهوری جیمز مونروئه، پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا به کار رفت. دکترین مونروئه که در بعضی از منابع سیاست‌انزوا طلبی تعبیر گردیده است، دکترین مذکور مبتنی بر اصل عدم مداخله کشورهای اروپایی در قاره آمریکا و متقابلاً عدم مداخله آمریکا در اروپا و مستعمره‌های آن است که البته بعد از جنگ دوم جهانی بند دوم آن عملاً رعایت نشده است.

دکترین، اصول و قواعدی کاربردی و هدایت‌گر هستند که باعث هماهنگی، همسویی و هم‌افزایی تصمیمات و اقدامات در سلسله مراتب می‌شوند. دکترین بر اساس سابقه تاریخی معمولاً توسط رهبران عالی‌جوامع بشری و بر پایه خلاقیت‌های فردی و سازمانی اتخاذ و اعلام شده‌اند (توحیدی، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۳).

### روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق کاربردی - توسعه با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی انجام شده است و داده‌های تحقیق به روش کتابخانه‌ای از سخنرانی‌ها، پیام‌ها و احکام حضرت امام<sup>(ره)</sup> و مقام معظم رهبری<sup>(مدظله)</sup> با ابزار فیش برداری که به صورت تمام شمار اسناد مربوطه و تا حد در دسترس، جمع‌آوری شده‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش تحلیل محتوا و استفاده از

نرم افزار مکسکیودا بوده که امر جسجو بر اساس کلید واژه‌هایی است که مرتبط با حوزه نظارت و بازرسی که با نظر خبرگان حوزه انتخاب شدند. از جمله یافته‌های تحقیق شناسایی ۱۸۳ گزاره که پس از حذف موارد تکراری ۱۰۸ گزاره مرتب و با مقوله بندی آنها، ۳۵ مورد با تعریف عملیاتی مرتبط با دکترین بود که در ۵ قضیه اساسی مفهوم سازی شدند.

بنابراین در تعریف عملیاتی دکترین، باید گفت که اصول و قواعد بنیادین و هدایت گر می‌باشند که مبتنی بر فلسفه و آرمان‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده و بر پایه اندیشه‌های حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در پشتیبانی از اهداف و سیاست‌های ملی مورد باور و قبول عامه قرار گرفته است. این اصول و قواعد باعث هماهنگی و همسوسازی تصمیم‌گیری‌ها و هدایت طرح‌ها و برنامه‌ها و فعالیت‌های نظارتی است که در جهت تحقق اهداف پیش‌بینی شده، می‌باشد.

### تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌ها

در این بخش با تحلیل محتوای آراء و نظرات ولی فقیه که از ارکان اصلی نظارت و بازرسی کشور است، نتایج در قالب جدول تحلیل محتوا گزارش شده است. لازم به ذکر است که نحوه جستجوی در بیانات در ابتدا بر اساس یک لیست توقف<sup>۱</sup> بود که کلید واژه‌های نظارت، بازرسی، کنترل، کنترل فساد، مبارزه با فساد بوده است؛ سپس در داخل متن نیز با مفاهیم جدیدی برخورد شد که به لیست اضافه شد؛ برای مثال می‌توان به مفاهیمی چون مراقبت، عدالت، امنیت کشور، حسابرسی، دستگاه قضایی، تجسس، آگاه سازی، اصلاح، شاخص، نظارت مردمی، شفاف سازی، مشارکت مردمی، نقد و نقادی و... اشاره کرد. علاوه بر این متن سخنرانی‌هایی که میهمانان آن قوه قضائیه، کارکنان سازمان بازرسی و قوه مجریه و مجلس بوده‌اند، ملاک تحلیل قرار گرفته‌اند. در مجموع این بیانات مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفتند که جدول خلاصه تحلیل به شرح زیر است.

با توجه به جدول تحلیل محتوای زیر، ۳۵ مورد گزاره و مقوله از آراء و نظریات ولایت فقیه استخراج گردیده است. این تعداد تشکیل دهنده ۵ قضیه مهم و اساسی است. این قضایا شامل شریعت محوری، حاکمیت قانون، محوریت نظارت حکومت بر جامعه، دانش محوری و در نهایت برنامه محوری است. این قضایا از جنس دکترین هستند. به بیان دیگر دکترین حوزه نظارت و بازرسی این پنج مورد هستند.

جدول تحلیل محتوای آراء و نظریات ولایت فقیه در بعد دکترین

ماهیت	قضیه	مقوله	گزاره	دیف
دکترین	شریعت محوری	انجام امور بر اساس موازین شرع مقدس	عمل هم این باشد که روی طریقه‌ی اسلام عمل بکنیم. تجاوز نکنیم. تقصیر هم نکنیم.	۱.
		تکلیف‌گرایی و پاسخ‌گویی در برابر پروردگار	نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید در انتخاب مسئولان و نظارت و بازخواست از آنها بدون ملاحظه اشخاص و گروه‌ها، تنها به ادای تکلیف الهی و پاسخ‌گویی در برابر پروردگار بیندیشند و فقط وامدار سوگند شرعی خود در مجلس باشند.	۲.
		اسلامی بودن همه کارها	توجه بکنید که کارها همه اسلامی باشد.	۳.
		توجه به رضایت الهی	معیار و فارق صلاح و فساد این است که آیا ما آن کار را برای رضای خدا انجام می‌دهیم، یا نه	۴.
		ضرورت صدور قوانین اسلامی در مجلس	لازم است طرح‌هایی که در مجلس می‌گذرد مخالف با احکام مقدسه‌ی اسلام نباشد.	۵.
		اجرای احکام الهی	اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه‌ی آن‌ها حرفی می‌زنند که برخلاف حکم قرآن است بایستید و حرف خدا را بنزید.	۶.
		ضرورت انجام امور طبق اصول شریعت	نمی‌شود، یک کار خلافی را با یک کار خلاف‌تری ما بخواهیم جلویش را بگیریم، موازین دارد، نهی از منکر موازین دارد، امر به معروف موازین دارد.	۷.
		حاکمیت	نظارت‌ها باید بر	در امر نظارت باید قانون و موازین ملاک و معیار

ماهیت	قضیه	مقوله	گزاره	دیف
	قانون	حسب قوانین صورت بگیرد	باشد و نه مذاق‌ها و سلائیق شخصی	
		قانون ابزار نظارت است	قوه‌ی قضائیه بایستی از نظارت قانون استقبال کند. قانون، یکی از ابزار نظارت است.	۹.
		ارتباط گیری با دستگاه‌ها بر اساس ضوابط	اگر بخواهید از ابزارهای نظارتی استفاده کنید، همه‌ی تلاش خود را بر این قرار دهید که ارتباط با دستگاه‌های اجرایی و تحت نظارتان، قانونی باشد. بعضی از ارتباط‌های مخدوش، مطلقاً به ضرر شماست.	۱۰.
		احضار و توقیف در نظارت باید با حکم قاضی باشد	هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف، جرم است و موجب تعزیر شرعی است.	۱۱.
		عدم توجه به اجرای قانون برخی موجب بروز فساد است	تخطی از این قوانین، در مواردی مشکل بزرگ فساد اقتصادی و فساد دستگاه‌های مسئول را به وجود می‌آورد و یا موجب تعارض بین دستگاه‌های مختلف و تشتت و بگومگوهای مضر و مفسده انگیز می‌شود.	۱۲.
		معیار بودن قانون در اجرای امور	معیار عبارت است از مقررات و قانون	۱۳.
		توجه به امانت داری	ایشان امانت‌داری کامل بازرسان را در انعکاس مسائل، امری کاملاً ضروری و زمینه‌ساز جلب اطمینان دستگاه‌ها و مؤثر شدن گزارش‌های بازرسی توصیف کردند.	۱۴.
دکترین	محوریت نظارت حکومت بر امور جامعه	ضرورت نظارت بر نوع انسان	بنابراین نظارت بیرونی از اهم مسائل تمامی جوامع بشری است.	۱۶.
		فقدان نظارت مقدمه دیکتاتوری است	اگر دستگاه نظارتی نباشد، اگر کترلی از سوی نمایندگان مردم نباشد، اگر دستگاه قضایی مقتدری نباشد، بله؛ حرکت به سمت دیکتاتوری از جاهای کوچکی آغاز می‌شود و به جاهای بزرگی می‌رسد.	۱۷.

ماهیت	قضیه	مقوله	گزاره	دیف
		اصل نظارت رهبری	همیشه در کنار مردم ناظر بر اوضاع هستم و وظیفه ارشادی خود را انجام می‌دهم.	۱۸.
		ضرورت تشکیل دستگاه‌های نظارتی	اشخاصی هم باشند که در این امور یک نظارتی داشته باشند.	۱۹.
		نظارت بر امور مالی با هدف توازن بخشی به جامعه	دولت باید از اختیارات خودش استفاده نکند و نگذارد که مستضعفان و مظلومان پامال بشوند و این همان اختیاراتی است که به دولت اسلامی داده شده؛ یعنی قدرت حاکمیت اسلام که باید با کنترل و نظارت همه‌ی فعالیت‌ها انجام بگیرد.	۲۰.
		ضرورت سازماندهی در امر نظارت	به هر حال یک دستگاهی در زندگی‌ها، در اجتماعات، در جوامع لازم است وجود داشته باشد که این دستگاه نظارت کند بر اجرای قانون و این قانون اجرا بشود.	۲۱.
		ضرورت نظارت نظامی	کسانی که در رأس هستند اشخاص ناظر بفرستند، همه جا را تحت نظر بگیرند.	۲۲.
		نظارت بعنوان یک امر حاکمیتی	نظارت و کنترل دقیق دستگاه حاکمیت را هم بر همه‌ی اینها لازم دانسته. یعنی باید دستگاه حکومت مراقب باشد که از این آزادی‌ها سوء استفاده نشود.	۲۳.
		نظارت و کنترل جریان‌های مالی یک وظیفه برای حکومت است	حکومت اسلامی است و حاکم اسلامی حق دارد که نظارت خود و کنترل خود و حسابرسی خود بر کیفیت استفاده از سرمایه و پول و مال و مصرف آن را حفظ کند و این تکلیف دولت اسلامی است و دولت اسلامی باید این تکلیف را انجام بدهد و به نفع عموم مردم، مخصوصاً طبقات ضعیف و مستضعف است.	۲۴.
		نظارت حق حاکم اسلامی است	اما در کنار این حق و اختیار برای مردم یک اختیار و حقی هم برای دولت اسلامی و قدرت حاکم بر جامعه‌ی اسلامی قرار داده شده است و آن حق کنترل و نظارت و مراقبت است.	۲۵.
دکترین	دانش محوری	نگاه نقادانه و عقلایی به امور	البته باید با عقلانیت و با مدارا همراه باشد، بدون افراط، بدون پرخاشگری؛ اما نگاه نقادانه	۲۶.
		قاعده مند بودن در کشف جرائم و مفاسد	برای جرم‌یابی، واقعا میشود متدلوزی آنرا دنبال کرد. این، از جمله‌ی کارهای ماست.	۲۷.



ماهیت	قضیه	مقوله	گزاره	دیف
		تکیه بر کار کارشناسی	تکیه بر کار کارشناسی	۲۸.
		دانش محوری در مبارزه با فساد	من گفتم بعضی از بخش‌ها درباره فساد مطالعات عمیق کنند.	۲۹.
		بکارگیری منطق در مبارزه با فساد	باید فساد آن‌ها را به طور سالم با برهان از بین برد، نه با جنگ و جدال	۳۰.
		توجه به جریان‌ات اجتماعی و اقتصادی کشور	زحمات گذشته شما به تدریج ثمر می‌دهد و امکانات در کشور در حال افزایش است. چنین موسمی همیشه و در همه تاریخ، موسم خطرناکی بوده است. موسم ورود آدم‌های سوء استفاده کن و فرصت طلب و کج دست و بددل و سیاه روست که وارد می‌شوند و اگر توانستند، از غفلت‌ها سوء استفاده می‌کنند.	۳۱.
		عقلانیت در بیان و کردار	مهم این است که در مقام بیان مسائل ورد مسائل، انتقاد و تکذیب، به آنجا نرسد که قوه‌ی عقلیه کنار، و با قوه‌ی غضبیه انسان وارد میدان بشود.	۳۲.
		نظارت همراه با عقلانیت و بدون تعدی و تفریط	همه این موارد باید با مدارا و عقلانیت همراه و از افراط و تفریط بدور باشد.	۳۳.
دکترین	برنامه محوری	اولویت بندی در امور	در دنبال‌گیری مشکلاتی که در جامعه وجود دارد، واقعاً اهم و مهمی درست کنیم. یعنی هیأت رئیسه و سیاستگذاران دستگاه قضایی - هر مجموعه‌ی که هستند - بنشینند موارد را «الاهم فی الاهم» کنند و مهمترین آنها را دنبال نمایند.	۳۴.
		ضروری دانستن نقش راه و چشم‌انداز	نقشه‌ی راه، سند چشم‌انداز است. سند چشم‌انداز را هیچ نایستی مورد غفلت قرار داد.	



به نظر می‌رسد در چهار دهه اخیر با توجه به استقرار و استمرار نظام ولایت فقیه در جامعه، اصول شریعت محوری و نظارت حکومت بر جامعه مورد پذیرش جامعه‌ی ایرانی قرار گرفته است، لذا برای تحقق دیگر اصول دکترین حوزه نظارت و بازرسی پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- با توجه به استخراج حاکمیت قانون به عنوان یکی از اصول نظارت و بازرسی پیشنهاد می‌شود که این اصل در تمام برنامه‌های نظارت و بازرسی به طور برجسته مورد تأکید سیاستگذاران نظارت و بازرسی قرار بگیرد.

۲- همچنین اصل حاکمیت قانون از سوی قوه قضائیه مستمراً در فضای عمومی کشور، قوه مجریه، قوه قضائیه و افکار عمومی و رسانه‌های جمعی تبلیغ و تبیین گردد.

۳- از دیگر دکترین‌های استخراج شده از این تحقیق دانش‌محوری و برنامه‌محوری است. بنابراین بر متولیان امر نظارت و بازرسی لازم است تا همه‌ی فعالیت‌های نظارتی خود را بر پایه‌ی مطالعات و پژوهش‌های عمیق و جدی استوار نماید و از سوی دیگر در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی جهت انجام وظایف نظارت و بازرسی، برنامه‌محوری مبتنی بر دانش را اساس فعالیت‌های خود قرار دهند.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- آئین نامه سازمان بازرسی کل کشور: ۱۳۹۵
- ابراهیمی، نصرالله (۱۳۸۴)، بازرسی هدفدار و نظارت کارآمد، *فصلنامه علمی-تخصصی نظارت، ارزیابی، بازرسی*، پیش شماره ۱.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱)، بررسی آرای امام خمینی در باب نظارت، *پژوهش های انقلاب اسلامی، تابستان*، دوره ۱، شماره ۱.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱)، *نظارت در نظام اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۱)، *مبانی فقهی نظارت بر قدرت از دیدگاه امام خمینی ره*، عروج.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۷)، حکمرانی خوب شبکه ای از کنشگران جامعه مدنی، نشریه: *مدیریت توسعه و تحول*، شماره: بهار، دوره ۱، شماره ۱.
- باوی، محمد (۱۳۷۶)، ولایت فقیه، قدرت و نظارت از دیدگاه امام خمینی (ره)، *پایان نامه ی کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، رشته علوم سیاسی.
- توحیدی، ارسطو (۱۳۹۳)، *مبانی دفاع ملی*، جزوه درسی دانشگاه عالی دفاع ملی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، کتابخانه گنج دانش، تهران.
- حسن بیگی، ابراهیم (۱۳۹۰)، *مدیریت راهبردی، تهران*، انتشارات سمت.
- حسینی، میرزاحسن؛ فولادی طرقی، مهدی (۱۳۸۹)، بررسی موانع و محدودیت های اجرای نظارت الکترونیکی، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، دوره پنجم، شماره ۴.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، *لغتنامه*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رابرت آنتونی و دیگران (۱۳۸۲)، *نظام های کنترل مدیریت*، ترجمه: محمدتقی ضیایی بیگدلی، نشر: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- رضائیان، علی (۱۳۸۴)، *مبانی رفتار سازمانی*، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
- سیدنورانی، محمدرضا؛ امیری، حسین؛ رافعی، میثم (۱۳۹۰)، مطالعه تطبیقی نظارت بر نظام بانکی در ایران و کشورهای منتخب، *دانش ارزیابی*، سال سوم، شماره ۸.
- صفرخانی، حسن (۱۳۸۸)، نظارت نوین و نقش سازمان بازرسی کل کشور در تحقق آن، *فصلنامه دانش ارزیابی*، سال اول، شماره اول.
- طبرسا، غلامعلی (۱۳۸۰)، *مجموعه مقالات دومین همایش نظارت و بازرسی کشور*، انتشارات سازمان بازرسی، تهران، چاپ اول.
- عطار، سعید (۱۳۹۰)، آسیب شناسی نظارت همگانی در ایران؛ درآمدی بر نظریه مثلث نظارت همگانی، *دانش ارزیابی*، سال سوم، شماره ۹.

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹)، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران، دانشگاه تهران.
- عیسی نیا، رضا (۱۳۸۷)، درآمدی بر دکترین‌های مرتبط با فلسفه مهدویت در جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی*، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۸۷.
- غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی مشارکت*، تهران: نشر نزدیک.
- فارس‌جانی، حسن (۱۳۸۶)، *استراتژی کلاس جهانی در مدیریت کیفیت بازرسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات قصیده سرا.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۰)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، چاپ هفتم، تهران: نشر دادگستر.
- مرادی، حسین؛ خسروی زارگزی، مسلم (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی فرهنگی اجتماعی نظارت الکترونیکی (مطالعه موردی سامانه کشوری نظارت بر معاملات دستگاه‌های اجرایی در خراسان جنوبی)، *دانش ارزشیابی*، سال پنجم، شماره ۱۷.
- معین، محمد (۱۳۸۲)، *فرهنگ فارسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات بهزاد.
- منوچهری، عباس (۱۳۸۷)، *فلسفه شهروندی و نظارت همگانی در عرصه عمومی*، مجموعه مقالات نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- هستیانی، اصغر ابوالحسنی (۱۳۸۰)، بررسی اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه تعادل و عدم تعادل اقتصادی، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق*، ش ۱۳ و ۱۴.
- هوی، وین. ک.؛ میکسل، س. ج. (۱۳۷۶)، *تئوری تحقیق و عمل در مدیریت آموزشی*، ترجمه میرمحمد سیدعباس زاده، ارومیه: دانشگاه ارومیه.

## ب. منابع لاتین

- Plottu, B. and Plottu, E. (2009). "Approaches to Participation in Evaluation: Some Conditions for Implementation", Evaluation, Vol. 15.
- Sheffield Gray (2005) *Doctrines and Command in the British Army: A Historical Overview*, Army Doctrine Publication Land Operations, DGD and D, British Army.

